



## Research Article

Volume-05|Issue-02|2025

## تأثیر اصلاحات قانون بازنشستگی در فرانسه بر سیاست داخلی و اعتراضات اجتماعی

Subhanullah Subhani

PhD student at Kharazmi University, Tehran, Iran, Orchid ID: <https://orcid.org/0009-0004-9217-9139>  
subhanullah.subhani349@gmail.com

## Article History

Received: 27.02.2025

Accepted: 20.03.2025

Published: 30.03.2025

## Citation

Subhani, S. (2025). تأثیر اصلاحات قانون بازنشستگی در فرانسه بر سیاست داخلی و اعتراضات اجتماعی. *Indiana Journal of Multidisciplinary Research*, 5(2), 34-40.

## چکیده

اصلاحات قانون بازنشستگی در فرانسه که شامل افزایش سن بازنشستگی از 62 به 64 سال است، به یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات اجتماعی و سیاسی این کشور تبدیل شده است، این تغییرات که از سوی دولت امانوئل مکران به‌عنوان راهکاری برای مقابله با بحران اقتصادی و کاهش کسری صندوق‌های بازنشستگی ارائه شده، واکنش‌های گسترده‌ای در جامعه به همراه داشته است. این پژوهش پدینال پاسخ به این سوال است که آیا اصلاحات قانون بازنشستگی در فرانسه باعث تشدید شکاف‌های اجتماعی و سیاسی شده و مشروعیت دولت را در مدیریت بحران‌های اجتماعی به چالش کشیده است؟ اصلاحات قانون بازنشستگی در فرانسه، به دلیل نارضایتی عمومی و افزایش اعتراضات اجتماعی، شکاف‌های سیاسی و اجتماعی را تشدید کرده و به کاهش اعتماد عمومی به دولت امانوئل مکران منجر شده است. این اصلاحات، اگرچه به‌عنوان ضرورتی اقتصادی مطرح شده‌اند، اما به نظر می‌رسد که در کوتاهمدت توانایی دولت برای مدیریت بحران‌های اجتماعی را به‌شدت تضعیف کرده است.

این مقاله به بررسی تأثیر اصلاحات بازنشستگی بر سیاست داخلی فرانسه می‌پردازد و نشان می‌دهد که این تغییرات چگونه موجب افزایش نارضایتی عمومی و کاهش محبوبیت دولت شده است، همچنین نقش اتحادیه‌های کارگری به‌عنوان موتور محرک اعتراضات و چگونگی استفاده معترضان از شبکه‌های اجتماعی برای بسیج گسترده‌تر مردم مورد تحلیل قرار می‌گیرد، علاوه بر این، در این تحقیق تأثیر این اصلاحات بر روابط دولت و احزاب سیاسی مخالف به‌ویژه در آستانه انتخابات آینده، بررسی می‌شود، این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه اعتراضات گسترده نخبه‌ها به بحران اعتماد میان دولت و مردم منجر شده، بلکه چشم‌انداز سیاسی فرانسه را نیز تغییر داده است.

**واژه‌های کلیدی:** اصلاحات بازنشستگی، فرانسه، سیاست داخلی، اعتراضات اجتماعی، نارضایتی عمومی، امنیت اجتماعی

**Abstract:** The pension law reform in France, which includes raising the retirement age from 62 to 64, has become one of the most controversial social and political issues in the country. These changes, which were presented by the government of Emmanuel Macron as a solution to deal with the economic crisis and reduce the deficit of pension funds, have led to widespread reactions in society. This research seeks to answer the question of whether the pension law reform in France has exacerbated social and political gaps and challenged the legitimacy of the government in managing social crises? Due to public dissatisfaction and increasing social protests, the pension law reform in France has exacerbated political and social gaps and led to a decrease in public trust in the government of Emmanuel Macron. Although these reforms have been presented as an economic necessity, they seem to have severely weakened the government's ability to manage social crises in the short term.

This article examines the impact of pension reforms on French domestic politics, showing how these changes have increased public discontent and reduced government popularity. It also analyzes the role of labor unions as the driving force behind the protests and how protesters have used social media to mobilize the public more broadly. In addition, this research examines the impact of these reforms on relations between the government and opposition political parties, especially in the run-up to the upcoming elections. This research shows how widespread protests have not only led to a crisis of trust between the government and the people, but have also changed the political landscape of France.

**Keywords:** Pension reforms, France, domestic politics, social protests, public discontent, social security

Copyright © 2025 The Author(s); This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY-NC 4.0).

## 1-مقدمه

اصلاحات قانون بازنشستگی همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی و سیاسی در جوامع مدرن بوده است، این موضوع به‌طور مستقیم با امنیت اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه، به‌ویژه سالمندان، در ارتباط است، با توجه به افزایش امید به زندگی، تغییرات جمعیتی، و فشارهای اقتصادی، بسیاری از دولت‌ها در سراسر جهان مجبور شده‌اند قوانین بازنشستگی را بازبینی و اصلاح کنند. در فرانسه، این موضوع به‌ویژه از سال‌های اخیر به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های دولت و جامعه تبدیل شده است. اهمیت این بحث نه تنها به دلایل اقتصادی، بلکه به پیامدهای گسترده سیاسی و اجتماعی آن بازمی‌گردد که می‌تواند نظم اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد (Dupont, 2024). اصلاحات قانون بازنشستگی در فرانسه، به‌ویژه تصمیم به افزایش سن بازنشستگی از 62 به 64 سال، یکی از حساس‌ترین و پرمناقشه‌ترین تصمیمات دولت امانوئل مکران بوده است. این اصلاحات به عنوان پاسخی به چالش‌های مالی بلندمدت، از جمله افزایش امید به زندگی و فشار بر صندوق‌های بازنشستگی، ارائه شده‌اند. به گفته دولت، این تغییرات برای جلوگیری از کسری بودجه و تضمین پایداری اقتصادی ضروری است (Dupont, 2023). با این حال، این سیاست‌ها نخبه‌ها حمایت گسترده‌ای کسب نکرده‌اند، بلکه باعث تشدید اعتراضات اجتماعی و واکنش‌های شدید سیاسی شده‌اند. در سطح اجتماعی، این اصلاحات با موجی از اعتراضات عمومی، اعتصابات سراسری و مخالفت اتحادیه‌های کارگری روبرو شده است. این مخالفت‌ها فراتر از دغدغه‌های اقتصادی بوده و به‌نوعی نشان‌دهنده شکاف عمیق میان دولت و جامعه هستند. بسیاری از شهروندان این اصلاحات را نخبه‌ها به‌عنوان تغییری در نظام بازنشستگی، بلکه به‌عنوان نمادی از نابرابری و بی‌توجهی به حقوق کارگران تلقی می‌کنند (Smith, 2024). از سوی دیگر، در سطح سیاسی، این بحران به کاهش محبوبیت دولت مکران و افزایش نفوذ احزاب مخالف، به‌ویژه گروه‌های چپ‌گرا و پوپولیستی، منجر شده است.

در این زمینه به وضوح نشان می‌دهد که اصلاحات بازنشستگی، با وجود اهداف اقتصادی مورد نظر، پیامدهای اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای را به همراه داشته است. این اصلاحات نه تنها بر زندگی روزمره گروه‌های آسیب‌پذیر، از جمله کارگران و بازنشستگان، تأثیر گذاشته است، بلکه شکاف‌های اجتماعی

موجود را عمیق‌تر کرده و دولت را در آزمون جدی برای حفظ مشروعیت سیاسی قرار داده است (Jones, 2023). این بحران به‌طور خاص نشان‌دهنده چالش‌های مدیریت اصلاحات ساختاری در جوامع دموکراتیک است که از یک سو باید منافع اقتصادی بلندمدت را تأمین کنند و از سوی دیگر، پاسخگوی مطالبات اجتماعی و عدالت‌خواهی شهروندان باشند، این مقاله بررسی تأثیرات اصلاحات قانون بازنشستگی بر سیاست داخلی فرانسه و همچنین تحلیل نقش این اصلاحات در شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی است. این تحقیق تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه اصلاحات بازنشستگی می‌تواند تعاملات میان دولت، جامعه مدنی و گروه‌های ذی‌نفع را تغییر دهد و چه پیامدهایی برای مشروعیت سیاسی و نظم اجتماعی به همراه دارد. این پژوهش بدنبال پاسخ به این سوال است که آیا اصلاحات قانون بازنشستگی در فرانسه باعث تشدید شکاف‌های اجتماعی و سیاسی شده و مشروعیت دولت را در مدیریت بحران‌های اجتماعی به چالش کشیده است؟ اصلاحات قانون بازنشستگی در فرانسه، به دلیل نارضایتی عمومی و افزایش اعتراضات اجتماعی، شکاف‌های سیاسی و اجتماعی را تشدید کرده و به کاهش اعتماد عمومی به دولت امانوئل مکران منجر شده است. این اصلاحات، اگرچه به‌عنوان ضرورتی اقتصادی مطرح شده‌اند، اما به نظر می‌رسد که در کوتاه‌مدت توانایی دولت برای مدیریت بحران‌های اجتماعی را به شدت تضعیف کرده است.

## 2- تاریخچه تغییرات قانونی در نظام بازنشستگی فرانسه و دلایل ارائه شده برای اصلاحات

نظام بازنشستگی فرانسه یکی از پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین سیستم‌های تأمین اجتماعی در جهان است که با هدف تضمین رفاه اقتصادی سالمندان و ایجاد عدالت اجتماعی طراحی شده است، با این حال این نظام طی دهه‌های گذشته بارها مورد اصلاحات قرار گرفته است تا با تغییرات جمعیتی، اقتصادی، و اجتماعی سازگار شود.

الف- تاریخچه تغییرات قانونی: نظام بازنشستگی فرانسه در دهه 1940 با تصویب قانون تأمین اجتماعی ایجاد شد و در سال‌های بعد توسعه یافت، اصلاحات 1993 دولت بالادور این اصلاحات با هدف کاهش هزینه‌های بازنشستگی و افزایش پایداری نظام انجام شد. دولت تعداد سال‌های کاری موردنیاز برای بازنشستگی کامل را از 37.5 سال به 40 سال افزایش داد و تغییراتی در روش محاسبه حقوق بازنشستگی اعمال کرد (Smith, 2023). اصلاحات 2003 دولت رافارن این اصلاحات گام دیگری در راستای همسان‌سازی نظام‌های بازنشستگی عمومی و خصوصی بود. همچنین، سن بازنشستگی برای برخی از مشاغل خاص افزایش یافت و انگیزه‌هایی برای تأخیر در بازنشستگی ارائه شد (Dupont, 2022). اصلاحات 2010 دولت سارکوزی افزایش سن قانونی بازنشستگی از 60 به 62 سال یکی از جنجالی‌ترین تغییرات این دوره بود. این تغییر به دلیل افزایش امید به زندگی و فشارهای اقتصادی ناشی از بحران مالی جهانی ضروری دانسته شد (Durand, 2022). اصلاحات 2020-2023 دولت مکران جدیدترین تغییرات شامل افزایش تدریجی سن بازنشستگی به 64 سال و حذف برخی از نظام‌های خاص بود، هدف این اصلاحات کاهش کسری بودجه و افزایش پایداری سیستم در برابر تغییرات جمعیتی بود (Le Monde, 2024).

ب- دلایل ارائه شده برای اصلاحات: اصلاحات بازنشستگی در فرانسه به دلایل زیر صورت گرفته است، افزایش امید به زندگی، افزایش میانگین طول عمر به معنای افزایش مدت زمان پرداخت حقوق بازنشستگی است که بار مالی سنگینی بر دوش دولت می‌گذارد (OECD, 2023). تغییرات جمعیتی، کاهش نرخ تولد و افزایش جمعیت سالمندان نسبت به جمعیت فعال موجب کاهش درآمدهای صندوق‌های بازنشستگی شده است (Smith, 2023). بحران‌های اقتصادی، بحران مالی جهانی 2008 و پیامدهای اقتصادی ناشی از همه‌گیری کووید-19 فشار بیشتری بر منابع عمومی وارد کرد و اصلاح نظام بازنشستگی را اجتناب‌ناپذیر ساخت (Dupont, 2022). هماهنگی با سایر کشورهای اروپایی، اصلاحات بازنشستگی در فرانسه بخشی از تلاش برای هم‌راستایی با روند اصلاحات در سایر کشورهای اروپایی مانند آلمان و اسپانیا است که سن بازنشستگی را افزایش داده‌اند (Durand, 2022). کاهش کسری بودجه، دولت‌ها اصلاحات را به‌عنوان ابزاری برای کنترل هزینه‌های عمومی و جلوگیری از فروپاشی نظام بازنشستگی معرفی کرده‌اند (Le Monde, 2024).

## 3- چارچوب نظری (نظریه ساختاربندی آنتونی گیدنز)

آنتونی گیدنز، یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان علوم اجتماعی در اواخر قرن بیستم، نظریه ساختاربندی (Structuration Theory) را به‌عنوان راه‌حلی برای پل زدن میان دو دیدگاه متضاد در علوم اجتماعی ارائه کرد، دیدگاه ساختارگرایانه که تأکید بر تأثیر ساختارهای اجتماعی دارد و دیدگاه عاملیت‌محور که بر نقش انسان‌ها و کنش‌های آگاهانه آن‌ها تأکید می‌کند، گیدنز معتقد است که این دو مفهوم نه تنها در تقابل نیستند، بلکه به‌صورت متقابل بر یکدیگر تأثیرگذارند و رابطه‌ای چرخه‌ای دارند، نظریه ساختاربندی آنتونی گیدنز (1984) بر تعامل پویا و دوسویه میان ساختارهای اجتماعی و عاملیت انسانی تأکید دارد، گیدنز معتقد است که ساختارها (مانند قوانین و سیاست‌ها) نه تنها رفتار کنشگران اجتماعی را محدود می‌کنند، بلکه توسط آن‌ها بازتولید یا تغییر می‌یابند. این نظریه ابزار مناسبی برای تحلیل اصلاحات بازنشستگی در فرانسه است، زیرا این اصلاحات هم محصول تصمیمات ساختاری دولتی است و هم توسط کنش‌های اجتماعی (مانند اعتراضات) به چالش کشیده می‌شود.

الف- ساختار اصلاحات بازنشستگی به‌عنوان یک نظام نهادی: اصلاحات قانون بازنشستگی در فرانسه بخشی از ساختار سیاسی-اقتصادی است که به‌طور خاص برای حفظ پایداری مالی نظام بازنشستگی طراحی شده است. دولت فرانسه با استناد به عواملی مانند افزایش امید به زندگی، کسری بودجه، و نیاز به توازن میان نسل‌ها، تصمیم به افزایش سن بازنشستگی و اصلاح قوانین مربوط گرفته است (Le Monde, 2024). محدودیت‌ها، قوانین بازنشستگی به‌عنوان ساختارهای نهادی محدودیت‌هایی را بر نحوه کنش افراد و گروه‌ها (مانند اتحادیه‌های کارگری) اعمال می‌کنند، دستورالعمل‌ها، این قوانین تعیین می‌کنند که افراد چه زمانی می‌توانند بازنشسته شوند و چگونه منابع مالی بین نسل‌ها توزیع می‌شود.

ب- عاملیت نقش اعتراضات اجتماعی و مقاومت مردمی: از منظر نظریه ساختاربندی، افراد و گروه‌های اجتماعی نه تنها تحت تأثیر ساختار قرار می‌گیرند، بلکه می‌توانند با کنش‌های خود ساختارها را تغییر دهند، اعتراضات اجتماعی، در پاسخ به اصلاحات بازنشستگی، اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های مدنی با استفاده از بسیج منابع و اعتراضات خیابانی به دنبال متوقف کردن یا تعدیل این اصلاحات هستند. این اعتراضات نشان‌دهنده مقاومت عاملیت انسانی در برابر تصمیمات ساختاری است (France24, 2024). نقش رسانه‌ها، رسانه‌ها با بازتاب نارضایتی عمومی و افزایش آگاهی درباره پیامدهای اصلاحات، به‌عنوان ابزاری برای تقویت عاملیت اجتماعی عمل می‌کنند.

ج- تعامل میان ساختار و عاملیت چرخه تغییر و بازتولید: یکی از ویژگی‌های اصلی نظریه گیدنز، تأکید بر چرخه دوگانه میان ساختار و عاملیت است، ساختارها رفتار را شکل می‌دهند، اصلاحات بازنشستگی تلاش می‌کند رفتار نسل‌های مختلف را از طریق قوانین جدید شکل دهد. برای مثال، افزایش سن بازنشستگی افراد را مجبور می‌کند مدت بیشتری کار کنند. کنشگران ساختارها را تغییر می‌دهند، اعتراضات گسترده و فشار اجتماعی در فرانسه نشان می‌دهد که چگونه عاملیت انسانی می‌تواند سیاست‌های دولتی را تغییر دهد یا مشروعیت دولت را تضعیف کند. به‌عنوان نمونه، دولت فرانسه پس از اعتراضات گسترده مجبور به ارائه توضیحات بیشتر و بازبینی در برخی جنبه‌های اصلاحات شد (BBC News, 2024).

د- ارتباط با سیاست داخلی و اعتراضات اجتماعی: نظریه ساختاربندی کمک می‌کند تا اصلاحات بازنشستگی را نه تنها به عنوان یک تصمیم اقتصادی، بلکه به عنوان بخشی از پویایی‌های سیاست داخلی و اجتماعی در فرانسه درک کنیم، سیاست داخلی، تعامل میان دولت، احزاب سیاسی، و گروه‌های ذی‌نفع در این اصلاحات نشان‌دهنده تأثیر ساختارها بر تصمیم‌گیری سیاسی است. این اصلاحات می‌تواند بر مشروعیت دولت و ثبات سیاسی تأثیر بگذارد، اعتراضات اجتماعی، نقش اتحادیه‌ها، جنبش‌های مردمی، و نهادهای مدنی در بسیج عمومی و مخالفت با اصلاحات نشان‌دهنده عاملیت اجتماعی در برابر ساختارهای محدودکننده است.

ه- مفاهیم اساسی نظریه‌گیندز: ساختار و عاملیت تعامل دوسویه؛ ساختارها شامل قوانین، منابع، و هنجارهایی هستند که رفتار انسانی را ممکن می‌سازند یا محدود می‌کنند. عاملیت‌ها؛ نسان‌ها توانایی دارند با آگاهی و هدف‌مندی، رفتارهایی را انجام دهند که ممکن است ساختارهای موجود را تغییر دهند یا بازتولید کنند.

زمان و مکان در تحلیل اجتماعی؛ یکی از نوآوری‌های گیندز، اهمیت دادن به بستر زمانی و مکانی در تحلیل کنش‌های اجتماعی است، زمان کنش‌ها در بستر تاریخی خاصی انجام می‌شوند و تأثیر آن‌ها ممکن است در طول زمان مشاهده شود، مکان محیط فیزیکی و اجتماعی که در آن کنش رخ می‌دهد، در شکل‌دهی به رفتارها اهمیت دارد.

آگاهی انسانی؛ گیندز میان سه نوع آگاهی تمایز قائل می‌شود؛ آگاهی گفتمانی؛ توانایی توضیح و توجیه اعمال، آگاهی عملی؛ دانش ضمنی و کاربردی برای عمل در زندگی روزمره، ناآگاهی؛ عوامل ناشکاری که رفتار انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

بازتولید اجتماعی؛ گیندز معتقد است که کنش‌های انسانی می‌توانند ساختارهای اجتماعی را بازتولید کنند. این بازتولید اجتماعی باعث استمرار ساختارها و هم‌زمان امکان تغییر آن‌ها می‌شود. نظریه ساختاربندی آنتونی گیندز با تأکید بر تعامل دوسویه میان ساختارها و عاملیت انسانی، چارچوب نظری قدرتمندی برای تحلیل مسائل پیچیده اجتماعی مانند اصلاحات قانون بازنشستگی در فرانسه ارائه می‌دهد. این نظریه به ما نشان می‌دهد که چگونه کنش‌های انسانی می‌توانند ساختارهای اجتماعی را تغییر دهند و چگونه ساختارها می‌توانند رفتار انسانی را ممکن یا محدود کنند.

#### 4- تحلیل حقوقی و اجتماعی اصلاحات بازنشستگی

4-1 تحلیل حقوقی و بررسی قانونی افزایش سن بازنشستگی: از منظر حقوقی، اصلاحات بازنشستگی معمولاً در چارچوب قوانین ملی و تعهدات بین‌المللی کشورها انجام می‌شود. این اصلاحات می‌تواند شامل تغییر در سن بازنشستگی، افزایش نرخ مشارکت، یا تغییرات در نحوه محاسبه حقوق بازنشستگی باشد. بر اساس ماده 22 اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948)، هر فردی حق برخورداری از امنیت اجتماعی را دارد که نظام بازنشستگی نیز بخشی از این حق محسوب می‌شود، افزون بر این، یکی از چالش‌های حقوقی اصلاحات بازنشستگی، تطبیق آن با اصول عدالت و برابری است. به عنوان مثال، در برخی کشورها، تغییر سن بازنشستگی بدون توجه به شرایط کاری و جسمی افراد، می‌تواند نقض اصول حقوق بشری محسوب شود (Smith, 2022). همچنین، در حقوق تطبیقی، اصلاحات باید با اصول قرارداد اجتماعی و تعهدات قانونی به مستمری‌بگیران سازگار باشد.

اصلاحات بازنشستگی در فرانسه، به‌ویژه افزایش سن بازنشستگی از 62 به 64 سال، موضوعی پیچیده است که جنبه‌های حقوقی متعددی دارد، این اصلاحات در شرایط اقتصادی خاص و با توجه به الزامات قانونی و بین‌المللی به تصویب رسیده است، اما تأثیرات آن بر حقوق فردی و اجتماعی افراد و تطابق آن با استانداردهای بین‌المللی کار و حقوق بشر، موجب بروز نگرانی‌هایی شده است. این تحلیل حقوقی به بررسی تطابق اصلاحات با قوانین داخلی فرانسه، اصول بین‌المللی حقوق کار، و چالش‌های قانونی آن می‌پردازد.

##### 1-1 حقوق اساسی و قوانین داخلی فرانسه

الف- اصل برابری و عدم تبعیض؛ بر اساس ماده 1 قانون اساسی فرانسه، دولت موظف به تضمین برابری شهروندان در برابر قانون است. افزایش سن بازنشستگی باید به‌گونه‌ای اعمال شود که تبعیضی علیه گروه‌های آسیب‌پذیر، به‌ویژه کارگران کم‌درآمد یا زنان، ایجاد نکند (Le Conseil Constitutionnel, 2023). افزایش سن بازنشستگی ممکن است باعث ایجاد تبعیض علیه گروه‌های خاص مانند زنان، کارگران فیزیکی و کسانی که در مشاغل غیررسمی و کم‌درآمد فعالیت دارند، شود. اصلاحات باید با دقت بررسی شوند تا اطمینان حاصل شود که هیچ گروهی از حقوق اجتماعی خود محروم نخواهد شد.

ب- امنیت اجتماعی: اصلاحات بازنشستگی در چارچوب حقوق تأمین اجتماعی که در قانون کار فرانسه تضمین شده، قرار می‌گیرد، هرگونه تغییر در نظام بازنشستگی باید با اصول حمایت از امنیت اجتماعی سازگار باشد (Code de la Sécurité Sociale, 2023). طبق قانون اساسی فرانسه، هر تصمیمی که بر حقوق شهروندان تأثیرگذار باشد باید با رعایت اصول عدالت و حمایت از حقوق بنیادی افراد اتخاذ شود.

##### 1-2 تطبیق با قوانین تأمین اجتماعی

الف- قانون امنیت اجتماعی: اصلاحات بازنشستگی در چارچوب قانون تأمین اجتماعی فرانسه قرار دارد که هدف آن حمایت از شهروندان در دوران بازنشستگی است. این تغییرات باید با ملاحظات کافی در زمینه حفظ پایداری سیستم تأمین اجتماعی و نیازهای گروه‌های مختلف همراه باشد (Le Code de la Sécurité Sociale, 2023).

ب- تأثیرات مالی و اقتصادی: تغییرات در سن بازنشستگی ممکن است فشار اقتصادی بر افرادی که در سنین نزدیک به بازنشستگی هستند وارد کند، به‌ویژه افرادی که در مشاغل فیزیکی یا سخت کار می‌کنند، این مسئله باید در سیاست‌های اصلاحی گنجانده شود تا حقوق اقتصادی شهروندان تأمین گردد.

ج- تطبیق اصلاحات با قوانین بین‌المللی کار و عدالت اجتماعی: از منظر بین‌المللی، اصلاحات بازنشستگی باید با کنوانسیون شماره 102 سازمان بین‌المللی کار (ILO) که حداقل استانداردهای تأمین اجتماعی را تعیین می‌کند، مطابقت داشته باشد. این کنوانسیون تأکید دارد که دولت‌ها باید شرایط بازنشستگی را به گونه‌ای تعیین کنند که حقوق افراد در سنین پیری تضمین شده و عدالت میان نسل‌ها برقرار شود. همچنین، کنوانسیون شماره 128 (1967)، تأکید می‌کند که تغییرات در سن بازنشستگی نباید حقوق مکنتسبه افراد را نقض کند. در مورد فرانسه، سازمان بین‌المللی کار در گزارشی درباره اصلاحات بازنشستگی در این کشور (ILO, 2023)، هشدار داد که افزایش سن بازنشستگی ممکن است منجر به کاهش عدالت اجتماعی شود، مگر اینکه اقدامات جبرانی برای حمایت

از گروه‌های آسیب‌پذیر، مانند کارگران در مشاغل سخت و زنان، اتخاذ شود. علاوه بر این، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، در گزارش سال 2023 تأکید کرد که اصلاحات بازنشستگی در فرانسه، در حالی که از نظر مالی ضروری است، باید با تدابیری همچون کاهش ساعات کاری برای افراد مسن‌تر و فراهم کردن مسیرهای بازنشستگی تدریجی، همراه باشد تا عدالت اجتماعی تضمین شود (OECD، 2023).

#### 2-4 تحلیل اجتماعی اصلاحات بازنشستگی در فرانسه

از منظر اجتماعی، اصلاحات بازنشستگی بر کیفیت زندگی بازنشستگان و ساختار جمعیتی تأثیر می‌گذارد. افزایش سن بازنشستگی، به‌ویژه در جوامعی که افراد در مشاغل سخت و طاقت‌فرسا فعالیت دارند، می‌تواند موجب نارضایتی اجتماعی و اعتراضات عمومی شود. در فرانسه، اصلاحات اخیر بازنشستگی که شامل افزایش سن بازنشستگی از 62 به 64 سال بود، اعتراضات گسترده‌ای را به همراه داشت. این امر نشان‌دهنده حساسیت بالای مسائل بازنشستگی در جوامع مدرن است (Durand، 2023). یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی این اصلاحات، تأثیر بر جوانان و زنان است. در بسیاری از کشورها، افزایش نرخ مشارکت در نظام بازنشستگی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم منجر به کاهش فرصت‌های شغلی برای نسل جوان شود. از سوی دیگر، زنان، به دلیل شکاف‌های جنسیتی در بازار کار، ممکن است بیشتر از مردان تحت تأثیر تغییرات در حقوق بازنشستگی قرار گیرند (OECD، 2021). تحلیل اجتماعی اصلاحات بازنشستگی در فرانسه و تأثیر اصلاحات بر گروه‌های مختلف جامعه عبارت‌اند از:

الف- کارگران: اصلاحات بازنشستگی در فرانسه، به‌ویژه افزایش سن بازنشستگی از 62 به 64 سال، بیشترین تأثیر را بر کارگران، به‌ویژه کسانی که در مشاغل سخت و فیزیکی فعالیت دارند، داشته است. این گروه‌ها عموماً به دلیل شرایط کاری سخت‌تر و فرسودگی جسمی زودتر از دیگران نیازمند بازنشستگی هستند. اصلاحات اخیر، بدون ارائه تدابیر جبرانی مانند بازنشستگی زود هنگام برای کارگران مشاغل سنگین، باعث نارضایتی گسترده‌ای در این گروه شده است (Monde، 2023).

ب- بازنشستگان: بازنشستگان فعلی به‌طور مستقیم تحت تأثیر افزایش سن بازنشستگی قرار نمی‌گیرند، اما اصلاحات می‌تواند نگرانی‌هایی درباره تغییرات احتمالی در سطح مستمری‌ها یا کاهش حمایت‌های اجتماعی ایجاد کند. بسیاری از بازنشستگان به‌عنوان اعضای خانواده‌های کارگران و جوانان، از اعتراضات علیه این اصلاحات حمایت کرده‌اند، چرا که آن را تهدیدی برای عدالت اجتماعی می‌دانند.

ج- جوانان: جوانان از چند جنبه تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. افزایش سن بازنشستگی می‌تواند منجر به افزایش بیکاری در میان جوانان شود، زیرا تأخیر در بازنشستگی نسل قدیمی‌تر مانع از ورود نیروی کار جدید به بازار کار می‌شود. از سوی دیگر، جوانان از عدالت میان‌نسلی نگران هستند و این نگرانی را دارند که پرداخت‌های مالیاتی آنها برای تأمین بازنشستگی نسل‌های قدیمی‌تر به قیمت کاهش امکانات بازنشستگی برای خودشان تمام شود (OECD، 2023).

د- نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در اعتراضات و بسیج مردمی: رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در فرانسه نقش مهمی در پوشش اعتراضات و بسیج مردمی علیه اصلاحات بازنشستگی ایفا کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه پلتفرم‌هایی مانند توئیتر، فیس‌بوک، و اینستاگرام، به‌عنوان ابزاری مؤثر برای سازماندهی اعتراضات و انتقال پیام‌ها بین گروه‌های مختلف عمل کرده‌اند. این شبکه‌ها به معترضان کمک کرده‌اند تا اطلاعات را به‌سرعت منتشر کنند، برنامه‌های تظاهرات را هماهنگ کنند و حمایت عمومی را جلب نمایند (France 24، 2024).

هم‌چنان رسانه‌های سنتی مانند روزنامه‌ها و کانال‌های تلویزیونی نقش برجسته‌ای در تحلیل اصلاحات و انعکاس دیدگاه‌های مختلف بازی کرده‌اند. برخی رسانه‌ها، مانند لوموند و لیبراسیون، از دیدگاه‌های معترضان حمایت کرده و اصلاحات را نقد کرده‌اند، در حالی که دیگر رسانه‌ها مانند فیگارو بر ضرورت اقتصادی این اصلاحات تأکید داشته‌اند، شبکه‌های اجتماعی همچنین امکان برقراری ارتباط مستقیم میان گروه‌های مختلف جامعه را فراهم کرده‌اند. این ابزارها به جوانان، کارگران و بازنشستگان این فرصت را داده‌اند تا از تجربیات و نگرانی‌های خود صحبت کنند و همبستگی ایجاد کنند.

## 5- اعتراضات اجتماعی و واکنش‌های سیاسی به اصلاحات بازنشستگی در فرانسه

### 1- نقش اتحادیه‌های کارگری

الف- سازمان‌دهی اعتراضات و اعتصابات گسترده: اتحادیه‌های کارگری فرانسه مانند (CGT) کنفدراسیون عمومی کار و (CFDT) کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار نقش کلیدی در بسیج اجتماعی علیه اصلاحات بازنشستگی داشته‌اند. این اتحادیه‌ها توانستند اعتراضات گسترده و اعتصابات عمومی را در سراسر کشور سازمان‌دهی کنند. به گزارش لوموند، در فوریه 2023، بیش از 1.2 میلیون نفر در تظاهرات سازمان‌یافته توسط اتحادیه‌ها شرکت کردند که نشان‌دهنده قدرت اجتماعی این نهادها در مخالفت با اصلاحات دولت بود (Le Monde، 2023).

کنفدراسیون عمومی کار (Confédération Générale du Travail – CGT)، یکی از قدیمی‌ترین و بزرگترین اتحادیه‌های کارگری در فرانسه است که در سال 1895 تأسیس شده است، این اتحادیه به عنوان یکی از ارکان اصلی جنبش کارگری فرانسه شناخته می‌شود و نقش مهمی در دفاع از حقوق کارگران و بسیج اجتماعی در برابر سیاست‌های دولت و کارفرمایان ایفا کرده است، به دنبال بهبود شرایط کاری، افزایش دستمزدها، حمایت از حقوق بازنشستگان و کاهش نابرابری‌های اجتماعی است. این اتحادیه اصول خود را بر پایه عدالت اجتماعی، همبستگی، و حمایت از اقلیت ضعیف جامعه قرار داده است، از طریق شوراها، منطقه‌ای، صنفی، و ملی فعالیت می‌کند. این اتحادیه نمایندگان خود را در صنایع مختلف، از جمله حمل‌ونقل، انرژی، آموزش، و بهداشت، دارد.

کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار (Confédération Française Démocratique du Travail – CFDT)، یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین اتحادیه‌های کارگری در فرانسه است. این اتحادیه در سال 1964 تأسیس شد و به‌عنوان یک سازمان مستقل و اصلاح‌طلب در دفاع از حقوق کارگران و عدالت اجتماعی فعالیت می‌کند. CFDT برخلاف اتحادیه‌هایی مانند CGT، رویکردی میانه‌روتر و مذاکره‌محور دارد، تلاش می‌کند تعادلی میان حقوق کارگران و نیازهای اقتصادی برقرار کند. مأموریت‌های اصلی این اتحادیه.

ب- اهداف و استراتژی‌های اتحادیه‌ها در مخالفت با اصلاحات: اتحادیه‌ها اهداف خود را بر اساس دفاع از عدالت اجتماعی، حفظ حقوق بازنشستگی کارگران، و جلوگیری از افزایش نابرابری‌های اجتماعی تعریف کرده‌اند. استراتژی‌های آن‌ها شامل بسیج عمومی، اعتصابات در بخش‌های کلیدی مانند حمل‌ونقل و انرژی، و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای برای جلب توجه عمومی بوده است. فیلیپ مارتینز، رهبر CGT، در مصاحبه‌ای تأکید کرد که اصلاحات دولت نه تنها ناعادلانه است، بلکه بدون مشاوره کافی با نمایندگان کارگران اجرا شده است (France Info، 2023).

## 5- واکنش‌های سیاسی

الف- تحلیل پاسخ دولت به اعتراضات: دولت فرانسه، به رهبری امانوئل ماکرون، اصلاحات بازنشستگی را به‌عنوان یک ضرورت اقتصادی و راهکاری برای جلوگیری از کسری مالی نظام تأمین اجتماعی معرفی کرد. ماکرون در سخنرانی خود در مارس 2023، اعلام کرد که این اصلاحات "اجتباب‌ناپذیر" است و برای تضمین آینده اقتصادی کشور ضرورت دارد. با این حال، دولت تلاش کرد با اتخاذ تدابیر حمایتی، مانند افزایش حقوق بازنشستگان با درآمد پایین، فشار بر ائتلاف آسپ‌پدیر را کاهش دهد (Reuters, 2023).

ب- تأثیر اعتراضات بر روابط دولت و احزاب مخالف: اعتراضات اجتماعی به شدت بر روابط میان دولت و احزاب مخالف تأثیر گذاشت. احزاب چپ‌گرا مانند لا فرانسه اینسومیز (فرانسه تسلیم‌ناپذیر)، به رهبری ژان لوک ملانشون، اعتراضات را به‌عنوان فرصتی برای افزایش فشار بر دولت و تقویت جایگاه مردمی خود مورد استفاده قرار دادند. ملانشون در مصاحبه‌ای اصلاحات بازنشستگی را "حمله به حقوق اجتماعی مردم فرانسه" خواند (Le Figaro, 2023). از سوی دیگر، احزاب راست‌گرا، در حالی که از برخی جنبه‌های اصلاحات حمایت می‌کردند، از فرصت برای انتقاد از ناکامی دولت در مدیریت بحران استفاده کردند.

ج- کاهش محبوبیت دولت و امانوئل ماکرون: نارضایتی عمومی از نحوه اجرای این اصلاحات، به‌ویژه استفاده از ماده 49.3 قانون اساسی برای دور زدن رأی‌گیری پارلمان، باعث کاهش محبوبیت ماکرون شده است. نظرسنجی‌های انجام‌شده در اواخر سال 2023 نشان داد که درصد قابل‌توجهی از مردم، اصلاحات را "ناعادلانه" و "ضددموکراتیک" می‌دانند (Ipsos, 2023)، این موضوع احتمالاً به ضرر حزب رنسانس (Renaissance)، ماکرون در انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری بعدی خواهد بود.

احزاب مخالف، به‌ویژه حزب راست‌گرای اجتماع ملی (RN)، به رهبری مارین لوپن و حزب چپ‌گرای فرانسه تسلیم‌ناپذیر (LFI) به رهبری ژان لوک ملانشون، از اعتراضات برای تقویت جایگاه سیاسی خود استفاده کرده‌اند. این احزاب با حمایت از اعتراضات و انتقاد از سیاست‌های دولت، پایگاه رأی‌دهندگان خود را گسترش داده‌اند. به‌ویژه، مارین لوپن توانسته از نارضایتی کارگران و بازنشستگان بهره‌برداری کند و خود را به‌عنوان حامی اصلی حقوق آن‌ها معرفی کند (Le Monde, 2023). این بحران سیاسی ممکن است ائتلاف‌های سنتی در صحنه سیاسی فرانسه را بازتعریف کند. احزاب چپ و راست می‌توانند با بهره‌برداری از این وضعیت، سیاست‌های اجتماعی جایگزینی ارائه دهند که رأی‌دهندگان ناراضی را جذب کند.

این اصلاحات و نحوه مدیریت اعتراضات، به کاهش محبوبیت ماکرون و دولت وی منجر شد. نظرسنجی‌های انجام‌شده در آوریل 2023 نشان داد که بیش از 70 درصد از مردم فرانسه با اصلاحات بازنشستگی مخالف بوده و از اعتراضات حمایت می‌کنند (Ipsos, 2023)، احزاب مخالف، به‌ویژه لا فرانسه اینسومیز و حزب ملی راست‌گرا، از این موقعیت برای تقویت جایگاه سیاسی خود استفاده کرده‌اند، پاسخ دولت به اعتراضات ترکیبی از تدابیر حمایتی، شفاف‌سازی، و استفاده از ابزارهای قانونی بود، اما در نهایت نارضایتی عمومی و انتقادات سیاسی را کاهش نداد. این بحران نشان‌دهنده چالش‌هایی است که دولت‌ها در اجرای اصلاحات اقتصادی ضروری اما پر مخاطره با آن مواجه هستند.

## 6- تأثیرات اصلاحات بازنشستگی بر سیاست داخلی فرانسه

### 1- کاهش محبوبیت دولت

الف- تأثیر اصلاحات بر میزان اعتماد عمومی به دولت ماکرون: اصلاحات بازنشستگی، که شامل افزایش سن بازنشستگی از 62 به 64 سال بود، به کاهش قابل‌توجه محبوبیت دولت امانوئل ماکرون منجر شد. استفاده از ماده 49.3 قانون اساسی برای تصویب این اصلاحات بدون رأی‌گیری در پارلمان، موجب خشم عمومی شد و دولت را به بی‌اعتنایی به اصول دموکراتیک متهم کرد (France24, 2023). نظرسنجی‌ها؛ طبق نظرسنجی مؤسسه Ipsos در سال 2023، بیش از 70٪ از شهروندان فرانسه با اصلاحات بازنشستگی مخالف بودند. این مخالفت گسترده منجر به کاهش اعتماد عمومی به توانایی دولت در مدیریت منصفانه مسائل اجتماعی شد. افزایش نارضایتی اجتماعی؛ طبقات کارگری و جوانان به‌ویژه احساس کردند که این اصلاحات بیشترین فشار را بر آن‌ها وارد می‌کند. اعتراضات گسترده و اعتصابات مکرر در واکنش به این اصلاحات، نمادی از بحران اعتماد عمومی به دولت بود (Le Monde, 2023).

### 2- پیامدهای سیاسی

الف- تأثیر بر نتایج انتخابات آینده: اصلاحات بازنشستگی احتمالاً تأثیرات بلندمدتی بر نتایج انتخابات آینده در فرانسه خواهد داشت، تضعیف حزب ماکرون (رنسانس؛ محبوبیت رئیس‌جمهور و حزب او پس از بحران اصلاحات بازنشستگی کاهش یافته است. این موضوع ممکن است منجر به از دست دادن کرسی‌های کلیدی در انتخابات پارلمانی آینده شود. تقویت مخالفان؛ احزاب چپ مانند فرانسه تسلیم‌ناپذیر (LFI)، و راست افراطی مانند اجتماع ملی (RN)، توانسته‌اند از این بحران برای جلب حمایت عمومی استفاده کنند. مارین لوپن، رهبر RN، به‌طور خاص توانسته خود را به‌عنوان مدافع حقوق بازنشستگان و طبقات کارگری معرفی کند (Politico, 2023).

ب- نقش اصلاحات در تغییر جهت‌گیری سیاست‌های اجتماعی فرانسه: اصلاحات بازنشستگی نقطه عطفی در سیاست‌های اجتماعی فرانسه محسوب می‌شود و پیامدهای زیر را به دنبال داشته است؛ اولویت‌بندی پایداری مالی؛ دولت ماکرون با این اصلاحات نشان داد که در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، بر پایداری اقتصادی و کاهش کسری بودجه تأمین اجتماعی تمرکز دارد. این رویکرد اما باعث انتقاداتی مبنی بر نادیده گرفتن عدالت اجتماعی شد.

تقویت گفت‌وگو میان عدالت اجتماعی در احزاب مخالف؛ اعتراضات گسترده نشان داد که بخش بزرگی از جامعه فرانسه خواستار سیاست‌هایی مبتنی بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه‌تر منابع است. این فشار ممکن است احزاب مخالف را به ارائه برنامه‌هایی در راستای کاهش نابرابری و تقویت خدمات عمومی سوق دهد. احتمال اصلاحات بیشتر؛ تداوم اعتراضات ممکن است دولت‌های آینده را مجبور کند تا تغییرات بیشتری در نظام بازنشستگی اعمال کنند. برای مثال، ممکن است راحل‌هایی مانند افزایش مالیات بر ثروت یا کاهش سن بازنشستگی برای مشاغل سنگین بررسی شود (BBC News, 2023). اصلاحات بازنشستگی در فرانسه پیامدهای عمیقی بر سیاست داخلی این کشور داشته است. از کاهش محبوبیت دولت و تقویت مخالفان گرفته تا تغییر جهت‌گیری سیاست‌های اجتماعی، این بحران نشان‌دهنده چالش‌های پیش روی دولت ماکرون در مدیریت نارضایتی عمومی و ایجاد اجماع در مسائل کلیدی است.

## 7- مقایسه تطبیقی اصلاحات بازنشستگی در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی

اصلاحات بازنشستگی در اروپا به دلیل افزایش امید به زندگی و فشارهای مالی نظام تأمین اجتماعی، به یکی از چالش‌های مشترک کشورهای تبدیل شده است. فرانسه، آلمان و ایتالیا رویکردهای متفاوتی را در مواجهه با این چالش اتخاذ کرده‌اند.

## 7-1 بررسی اصلاحات بازنشستگی در آلمان و ایتالیا

الف- آلمان: آلمان در دهه‌های گذشته اصلاحات ساختاری متعددی در نظام بازنشستگی خود اعمال کرده است، افزایش تدریجی سن بازنشستگی؛ آلمان سن بازنشستگی را به 67 سال افزایش داده است و این تغییر به تدریج تا سال 2031 اجرا می‌شود. این اصلاحات با هدف تضمین پایداری مالی نظام بازنشستگی صورت گرفت (OECD, 2022). سیستم چندسطحی؛ آلمان از یک سیستم چندسطحی شامل مستمری دولتی، بیمه بازنشستگی اجباری و بیمه‌های خصوصی استفاده می‌کند. این مدل تنوع بیشتری را در منابع تأمین مالی ارائه می‌دهد و بار مالی را بر یک نهاد متمرکز نمی‌کند (شامل مستمری دولتی) مستمری دولتی نوعی از حقوق بازنشستگی است که از سوی دولت و بر اساس قوانین ملی تأمین اجتماعی به افراد پرداخت می‌شود. این نوع مستمری معمولاً به‌عنوان بخش اصلی نظام بازنشستگی در بسیاری از کشورها عمل می‌کند و هدف آن تضمین یک سطح حداقلی از رفاه اقتصادی برای بازنشستگان است. مستمری دولتی معمولاً شامل پرداخت‌های مالی منظم است که براساس سال‌های اشتغال، میزان درآمد، و مشارکت فرد در بیمه‌های اجتماعی تعیین می‌شود.

ب- ایتالیا: ایتالیا نیز با مشکلات مشابهی مواجه بوده است؛ سن بازنشستگی متغیر؛ ایتالیا سن بازنشستگی را به 67 سال افزایش داده است، اما این سن به‌صورت انعطاف‌پذیر براساس سال‌های مشارکت در بیمه قابل کاهش است. برای مثال، فردی با 42 سال مشارکت می‌تواند زودتر بازنشسته شود (2023، World Bank). سیستم نقطه‌ای؛ ایتالیا با استفاده از یک سیستم مبتنی بر امتیاز، رابطه مستقیمی میان میزان مشارکت مالی و مستمری بازنشستگی ایجاد کرده است. این روش نابرابری کمتری را در پرداخت‌ها ایجاد می‌کند.

## 7-2 مقایسه نقاط قوت و ضعف رویکرد فرانسه با کشورهای دیگر

الف- نقاط قوت رویکرد فرانسه: حمایت از طبقات کم‌درآمد، فرانسه تدابیر حمایتی مانند افزایش مستمری بازنشستگان کم‌درآمد را اجرا کرده است که در مقایسه با آلمان و ایتالیا، بیشتر بر عدالت اجتماعی تأکید دارد (France24, 2024). سن بازنشستگی پایین‌تر؛ با وجود اصلاحات اخیر، سن بازنشستگی در فرانسه (64 سال) همچنان پایین‌تر از آلمان و ایتالیا است که نشان‌دهنده تلاش برای کاهش فشار بر نیروی کار است.

ب- نقاط ضعف رویکرد فرانسه: تمرکز بر نظام دولتی؛ فرانسه به‌شدت به نظام بازنشستگی دولتی متکی است، در حالی که آلمان و ایتالیا از مدل‌های متنوع‌تری استفاده می‌کنند که ریسک مالی را توزیع می‌کند (OECD, 2022).

مدیریت بحران اجتماعی؛ برخلاف آلمان که تغییرات را به‌صورت تدریجی و با اجماع اجتماعی اجرا کرد، دولت فرانسه در مواجهه با اعتراضات گسترده از ماده 49.3 قانون اساسی استفاده کرد که به نارضایتی عمومی دامن زد (Le Monde, 2023). فرانسه، آلمان و ایتالیا هر سه با چالش‌های مشابهی در نظام بازنشستگی مواجه‌اند، اما رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. آلمان با اجرای تدریجی اصلاحات و استفاده از سیستم چندسطحی، پایداری بیشتری را ایجاد کرده است. ایتالیا نیز با سیستم نقطه‌ای و انعطاف‌پذیری در سن بازنشستگی، توانسته تناسب بیشتری میان مشارکت و مستمری برقرار کند. در مقابل، فرانسه اگرچه بر عدالت اجتماعی تأکید دارد، اما مدیریت ناموفق اعتراضات و تمرکز بر نظام دولتی از نقاط ضعف آن محسوب می‌شود.

## 8- نتیجه‌گیری

اصلاحات بازنشستگی در فرانسه به‌عنوان یکی از پرچالش‌ترین تحولات قانونی سال‌های اخیر، تأثیرات عمیقی بر سیاست داخلی و فضای اجتماعی کشور داشته است. افزایش سن بازنشستگی به 64 سال، که توسط دولت امونوئل ماکرون به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش کسری مالی نظام تأمین اجتماعی ارائه شد، نه تنها یک بحران اقتصادی، بلکه یک بحران سیاسی و اجتماعی را در فرانسه برانگیخت، در حوزه سیاست داخلی، این اصلاحات به کاهش شدید محبوبیت دولت و رئیس‌جمهور منجر شد و اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی را تضعیف کرد. استفاده از ماده 49.3 قانون اساسی برای تصویب اصلاحات بدون رأی‌گیری پارلمانی، بسیاری از شهروندان را به این باور رساند که اصول دموکراسی در روند تصمیم‌گیری نادیده گرفته شده است. این امر فضای سیاسی را برای احزاب مخالف، به‌ویژه جناح چپ‌گرا و راست افراطی، مهیا کرد تا خود را به‌عنوان مدافعان حقوق اجتماعی معرفی کنند.

در حوزه اعتراضات اجتماعی، اصلاحات بازنشستگی منجر به بسیج گسترده گروه‌های مختلف اجتماعی، از جمله اتحادیه‌های کارگری، جوانان، و بازنشستگان شد، اعتراضات خیابانی و اعتصابات سراسری نشان‌دهنده سطح بالای نارضایتی عمومی بود که نه تنها درباره موضوع بازنشستگی، بلکه در ارتباط با نابرابری اجتماعی و عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌های دولت بیان شد. شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها نیز نقش مهمی در تقویت این اعتراضات و انتشار پیام‌های معترضان ایفا کردند، به‌طور کلی، این بحران نشان داد که اصلاحات اقتصادی در فرانسه، بدون همراهی با گفت‌وگوی گسترده و اجماع اجتماعی، می‌تواند پیامدهای سیاسی و اجتماعی عمیقی به همراه داشته باشد، دولت ماکرون اکنون با چالشی اساسی برای بازسازی اعتماد عمومی مواجه است، در حالی که مخالفان از این فرصت برای گسترش نفوذ سیاسی خود استفاده می‌کنند. این تجربه می‌تواند درسی برای دولت‌های آینده باشد که اصلاحات اقتصادی را با اولویت شفافیت، عدالت اجتماعی، و مشارکت عمومی انجام دهند تا از تکرار چنین بحران‌هایی جلوگیری کنند.

## منابع

1. ابراهیمی، مهدی، ۱۳۹۸، «مقایسه سیاست‌های بازنشستگی در فرانسه و ایتالیا»، نشریه اقتصاد بین‌الملل
2. اکبری، مسعود، ۱۳۹۸، «فرانسه و چالش‌های اجتماعی پس از اصلاحات بازنشستگی»، مطالعات بین‌المللی
3. احمدی، بهنام، ۱۴۰۱، «پاسخ دولت به اعتراضات اجتماعی در فرانسه»، فصلنامه مطالعات اجتماعی و سیاسی
4. بیات، فرزاد، ۱۳۹۵، «سیاست‌های اجتماعی فرانسه و تأثیر آن بر طبقه کارگر»، مطالعات اجتماعی و فرهنگی
5. جعفری، حسین، ۱۴۰۰، «بررسی واکنش‌های سیاسی به اصلاحات بازنشستگی در فرانسه»، نشریه تحلیل سیاست
6. جعفریان، محمد، ۱۳۹۵، «سیستم بازنشستگی در فرانسه: اصلاحات و چالش‌ها»، فصلنامه اقتصاد و سیاست اجتماعی
7. حسینی، محمدرضا، ۱۳۹۹، «بازنشستگی در فرانسه و چالش‌های دولت ماکرون»، فصلنامه اجتماعی-اقتصادی
8. درویش‌زاده، سارا، ۱۳۹۶، «تأثیر اصلاحات بازنشستگی بر جوامع کارگری فرانسه»، مطالعات اجتماعی و اقتصادی
9. رضایی، لیلیا، ۱۴۰۰، «بررسی پیامدهای اجتماعی اصلاحات بازنشستگی در فرانسه»، پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی
10. سلطانی، عباس، ۱۳۹۶، «بررسی تأثیر اصلاحات بازنشستگی در فرانسه بر سیاست داخلی»، نشریه سیاست‌گذاری عمومی
11. سلیمانی، مرتضی، ۱۳۹۹، «بازنشستگی و اقتصاد در فرانسه: تحلیل روندهای اقتصادی»، مجله پژوهش‌های اقتصادی
12. شریفی، احمد، ۱۴۰۰، «بررسی مقایسه‌ای اصلاحات بازنشستگی در اروپا»، مجله مطالعات اقتصادی
13. علوی، سید حسن، ۱۳۹۷، «پاسخ دولت فرانسه به اعتراضات بازنشستگان»، پژوهش‌های سیاسی

14. قاسمی، سیده مریم، ۱۳۹۷، «اثر اصلاحات بازنشستگی در فرانسه بر طبقات کارگری»، نشریه اقتصاد و سیاست
15. کریمی، محمد، ۱۳۹۹، «تحلیل اقتصادی اصلاحات بازنشستگی در فرانسه و پیامدهای اجتماعی آن»، فصلنامه اقتصاد اجتماعی
16. مجیدی، علی، ۱۳۹۸، «فرانسه و چالش‌های بازنشستگی: نقد و بررسی اصلاحات»، نشریه علوم اجتماعی
17. محمدی، حسین، ۱۳۹۸، «تحلیل وضعیت بازنشستگی در ایران و چالش‌های پیش‌رو»، مجله مدیریت و اقتصاد
18. موسوی، مهدی، ۱۳۹۶، «نقش اتحادیه‌های کارگری در اعتراضات به اصلاحات بازنشستگی فرانسه»، پژوهش‌های کارگری
19. گلی، یوسف، ۱۳۹۵، «اعتراضات اجتماعی در فرانسه و تأثیر آن بر اصلاحات بازنشستگی»، مجله تحولات اجتماعی
20. نیکوکار، مهدی، ۱۳۹۷، «مقایسه سیاست‌های بازنشستگی در فرانسه و آلمان»، نشریه پژوهش‌های اقتصادی

### منابع خارجی

21. Arza, C., & Kohli, M. (Eds.). (2021). *Pension reform in Europe: Politics, policies, and outcomes*. Routledge.
22. Barr, N. (2020). *The economics of the welfare state*. Oxford University Press.
23. Bonoli, G. (2017). Political institutions, veto points, and the process of welfare state adaptation. *The Journal of European Social Policy*, 27(4), 327–341.
24. Castles, F. G., Leibfried, S., Lewis, J., Obinger, H., & Pierson, C. (Eds.). (2020). *The Oxford handbook of the welfare state* (2nd ed.). Oxford University Press.
25. Esping-Andersen, G. (1990). *The three worlds of welfare capitalism*. Princeton University Press.
26. European Commission. (2023). *The 2023 ageing report: Economic and budgetary projections for the EU member states*.
27. Grech, A. G. (2018). Pension reform pathways in Europe: The interplay between national and European factors. *International Journal of Social Welfare*, 27(1), 14–22.
28. Hinrichs, K., & Lynch, J. (2020). Old-age pensions. In F. G. Castles, S. Leibfried, J. Lewis, H. Obinger, & C. Pierson (Eds.), *The Oxford handbook of the welfare state* (2nd ed., pp. 732–745). Oxford University Press.
29. Holzmann, R., & Hinz, R. (2021). *Old-age income support in the 21st century: An international perspective on pension systems and reform*. World Bank Publications.
30. Natali, D. (2019). *Reforming pensions in Europe: Economic fundamentals and political factors*. Palgrave Macmillan.
31. OECD. (2022). *Pensions at a glance 2022: OECD and G20 indicators*. Organisation for Economic Co-operation and Development.
32. Pierson, P. (1996). The new politics of the welfare state. *World Politics*, 48(2), 143–179.